



یک‌شنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۹۹ ـ

سال دوازدهم ـ شماره ۱۹۱۷ ـ

www.sepehrpress.ir

سپهرغرب، گروه اجتماعی – عباس سریشی: به‌طور معمول در همه جوامع بشری افراد بی خانمان و کارتن خواب به عنوان یکی از آسیب‌پذیر ترین و در عین حال به حاشیه رانده سبب‌ترین گروه‌های اجتماعی محسوب می‌شوند که به هر علت توانایی بسیار اندکی برای ساماندهی زندگی طبیعی خود دارند.

البته مهم‌ترین مشخصه این افراد عدم توانایی در تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای مادی و اجتماعی و برجسته ترین صفت ایشان نیز بی ثباتی شخصیت و فقدان اراده و مهارت‌های رفتاری در خصوص ترک این وضعیت و درک لزوم بازگشت به زندگی سالم است ضمن اینکه این افراد به دلیل ابتلا به ناهنجاری و ارتکاب جرائم و رفتارهای ضد اجتماعی نیز عموماً فاقدر هر گونه پذیرش اجتماعی از سوی مردم و یا حمایت ضروری در زمینه‌های اقتصادی،بهداشتی و روحی و روانی نیز هستند

بررسی نتایج حاصل ازبرخی تحقیقات صورت گرفته از سوی مؤسسات معتبر جهانی و ایضا کشوری نشان می‌دهد در حالی‌که افراد بی‌خانمان در غالب موارد موقعیت‌های خطرناکی مانند بیماری‌های روانی، اعتیاد فقر فحشا و... را تجربه کرده و به تعدد و تکرار این معرض انواع خشونت و جنایت و یا تعرض قرار می‌گیرند اما نه فقط بهره چندان از نظام‌های حقوقی و حمایتی نمی‌برند بلکه حتی ممکن است به خاطر موقعیتشان خدوینز به‌عنوان متهمان اصلی بروز این جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی محسوب و مورد تعقیب قرار گیرند.

در واقع این یک باور پذیرفته شده عمومی است که بی خانمانی هم خطرات انسانی و محیطی زیادی را برای فرد مبتلا به همراه دارد و هم ساختار جامعه را با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌کند.

البته طی چند سال گذشته و به‌مجرد بروز چند حادثه و رویداد تلخ (شامل فاجعه گور خوابی کارتن‌خواب‌ها و یا مرگ تعدادی از این افراد ب‌اثر سرما (سی‌شدن تا با ایجاد گرماهای و فضا‌های حمایتی و جذب سرمایه و تخصص اعتباراتی هرچند کم به نوعی به دنبال التیام بخشی از آلام ایشان و متعاقباً تلاش در جهت بازگرداندن آنان به زندگی عادی برایشان فراهم شود.

اما! متأسفانه این حقیقت تلخ است که پس از چندین سال تلاش و هزینه کردهای ریز و درشت اکنون بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران به این نتیجه رسیده‌اندکه در مقایسه باهزینه‌ها و دستاوردهای و منطقی با فلسفه ایجاد گرخانه به دو دلیل عمده یعنی چهارچوب گریزی و تلاش در جهت حفظ هویت توسط افراد کارتن‌خواب و بی‌خانمان و نیز تا‌کار ادبی فعالیت‌ها، بی‌برنامگی و فقدان هدف در موضوع ایجاد گرم خانه ماحصل چند ساله ما از این شیوه حمایتی چیزی بیشتر از تشویق کردن بسیاری از این افراد به ادامه اینگونه زندگی و متعاقباً و حیف و میل سرمایه‌های بیت‌المال و شهری نباشد. گو اینکه در طی این سال‌ها نیز این گرخانه‌ها یا اقامتگاه‌های موقتی که توسط سازمان‌های حمایتی در سطح شهرها ساخته‌و فعالیت می‌کنند نیز چند پیامد منفی و مبنی با خود به همراه داشته‌اند که

با توجه به بررسی‌ها و صدالبته ماسوای یک‌تکه مثبت آن (یعنی جنبه اخلاقی و انسانی آن مبنی بر تأمین سرپناه ایمن در فصول سرد برای بی‌خانمان‌ها (پیامدهای منفی ماحصل از بی برنامهگی در فعالیت این گرخانه‌ها را می‌توان در سه موضوع کلی مشتمل بر:

اسیب‌هایی که در پی تأسیس چنین مراکزی به محلات و مناطق اطراف وارد می‌شود

اسیب‌هایی که بر اثر تمرکز افراد بی‌خانمان در یک مکان شکل می‌گیرد

و در نهایت اثرات فرهنگی- اجتماعی ناشی از تداخل‌های سازمانی این طرح بر محیط اطراف آن تقسیم‌بندی نمود.

در این خصوص و به اعتقاد بسیاری از منتقدان مسئله بروز ناامنی و نیز عدم تأثیر گذاری بر فکر و شیوه زندگی این اقداد در مجموع بسامدها و دستاوردهای منفی حاصل از بی برنامهگی گرخانه‌ها از برجستگی بسیار بیشتری برخوردار است.

این بدان معناست که نه فقط بسیاری از این افراد از این فرصت برای بازگشت به زندگی سالم استفاده نکرده و حتی به آن به مثابه یک غنیمت و یا امکانات

باد آورده مفت و مجانی برای ادامه این شیوه زشت زندگی نگاه می‌کنند بلکه متأسراً از ادامه این رویه بسیاری از خانواده‌هایی که در نواحی اطراف محل گرخانه سکونت دارند،نیز مبتلا به انواعی از احساس ناامنی در سوبه‌های اجتماعی اخلاقی و بهداشتی و.. شده‌اند تا جایی که حتی براساس اطلاعات موجود و در پی شکایت تعدادی از خانواده‌های مجاور و ساکن تعدادی از این گرخانه‌ها نیز براساس مصلحت تعطیل و یا جابجا شده‌اند.

طرح خوب،اجرای غلط،دست‌آورد منفی...

البته درخصوص این بسامدها نیز نظریات متفاوتی وجود دارد اینکه در مقابل آن‌دسته از مدیران شهری و حتی نظریه پردازان سازمان‌های حمایتی و بهزیستی و حتی انتظامی و قضایی که معتقدند احداث گرخانه می‌تواند مانع از پراکندگی افراد مسئله‌دار در سطح شهر، گرم‌گویی یا دشواری خدمات‌رسانی به آن‌ها در زمینه‌های مختلف، گسترش آسیب‌هایی مانند

تکدی‌گری، تأثیرپذیری افراد مستعد بی‌خانمان شود. اما در مقابل منتقدان این روند اجرا نیز معتقدند که با توجه به فقدان برنامه ریزی مشخص و عدم هدف‌گذاری یا مشخص نمودن اولویت‌های پذیرش و حمایت با تأسیس گرخانه مشکلات دیگری از جمله تمرکز فقر و تبعات ناشی از آن، تمرکز بالای این افراد در یک یا دو محله، افزایش امکان توزیع مواد مخدر و شربت‌الیکلی افزایش می‌یابد.

البته ایشان تأکید دارند که تحقیقات نشان داده که ۸۰ درصد این بی‌خانمان‌های معتاد به مواد مخدر من صحبت می‌کردند. تفکر قالبی که بین خانمان‌ها وجود داشت این بود:«چرا می‌خواهی ازدواج کنی؟ از دوران مجردی لذت ببر. عشق و حالت را بکن. مجرد بمان.» همه این‌ها یک علامت سوال بزرگ در ذهن من ایجاد کرد. چرا برخی خانم‌ها آن لذت کافی را از زندگی متأهلی نمی‌برند و همیشه با خود دارند که چرا اکثر همکارانم به من به عنوان یک دختر مجرد می‌گویند ازدواج نکن و سعی کن بیشترین لذت ممکن را از دوران مجردت بگیری؟ چرا آنها همسر و بچه را عامل محدودیت می‌دانند و معتقدند جلوسوی آمال و آرزوهایشان را گرفته و دوست دارند دوباره به دنیای مجردی برگردند؟ احساس من این بود که این خانم‌ها دوران مجردی خوبی را نگذرانندد مهارت‌های لازم دوران متأهلی را یاد نگرفته‌اند و با حال خوبی وارد متأهلی نشده‌اند و مدام خیال می‌کنند در حق آن اجحافی صورت گرفته‌است.»

چون آنچه از رفتار جامعه تلقی می‌شود این است که جامعه فقط زمانی یک خانم را می‌پذیرد که متأهل باشد و بعد درباره‌اش حرف می‌زنند. به او شیوه زندگی کردن یاد می‌دهند و او را برای پذیرش نقش جدید همراهی می‌کنند. اما همه دخترها که از اول متأهل نبوده‌اند. بالاخره دوران مجردی داشته‌اند ولی هیچکس هیچ محتوا و آموزه‌ای در این باره ندارد و حال اگر دختری به هر دلیلی نتواند ازدواج کند در معادلات مختلف به حساب نمی‌آید و احساس محارت می‌کند و همین اثرات بسیار منفی در روحیه‌اش دارد.

بچه‌هایی که با مجردخت همراهند همه مجرد نیستند. آنها حتی متأهل‌هایی هستند که معتقدند دوران مجردی دخترها در جامعه درست تعریف نشده است. در واقع به جای آنکه دخترها یک دوره مجردی بسیار غنی را پشت سر بگذارند و با آمادگی کامل وارد دنیای متأهلی شوند فقط آن ر طی کرده‌اند. عده‌ای به معتقدند همین مسریکات آن رفتن دوران مجرد باعث شده فردا که زنان با مشکلات تأهل روبرو می‌شوند حسرت روزگار مجردی را بخورند که چرا آن روزها را درست نگذرانده‌اند و کسی چیزی یادشان نداده بود که حالا به کار روزگار تأهل‌شان بیاید.

همه این دغدغه‌ها موجب به راه افتادن یک بحث دخترانه داغ مجازی شده باعث شد که با «زینب ثابتی» دختر جوان نیشابوری که این بحث را به راه انداخته گفتگو کنیم بدینم #مجردخت از کجا آمده و به دنبال چه می‌گردد؟

متأهل‌ها به من می‌گویند مجرد بمان و عشق و حال کن!

زینب ثابتی متولد ۱۳۷۶ در شهر نیشابور است و حالا چند وقتی است بعد از درس و دانشگاه به شهر نیشابور برگشته و معلم ریاضی شده است. زینب معتقد است که اینکه بیست و سه سال بیشتر ندارد سرو کله زنن با همکاران بزرگتر از خودش و حرف‌ها و سوا‌ل‌هایشان در ذهنش موجب ایجاد دغدغه‌هایی می‌داند. بعد از آنکه به دختران مجرد و دوران مجردی آنقدر عجیب است:«درست زمانی که به شهر خودم برگشتم و وارد محیط کار شدم. در محیط‌های مختلف یکسری حرف‌های رد و بدل می‌شد که برابم عجیب بود. مثلاً من در یک مدرسه و بین همکارانی و وقتی صحبت از مجردی من می‌شد و در مورد ازدواج

هستند فلذا با تمرکز در یک نقطه حتی در شیوه مصرف مواد مخدر هم از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. در عین حال بسیاری از کارتن‌خواب‌ها برای تأمین معاش اولیه خود دست به هر کاری می‌زنند و از این طریق امنیت جامعه را از حیث حفظ ارزش‌ها و هنجارها خدشه‌دار می‌کنند.در واقع حضور این افراددر مناطق مختلف شهر می‌تواند سلامت یک جامعه را مورد تهدید قرار دهد.

ایمن منتقدان براین باورند که ساماندهی باید همراه با یک توانمندسازی باشد که طی آن فرد به چرخه زندگی عادی بازگردد. در حالی که عمده افراد کارتن‌خواب و بی‌خانمان که در مقاطع مختلف سال جمع‌آوری می‌شوند، بعد از مدتی دوباره به گوشه خیابان برمی‌گردند و باعث می‌شوند تا ما دست آورد مثبت و مشخصی از این حرکت دریافت نکنیم.

همچنین نباید از نظر دور داشت که طرح ساماندهی بی‌خانمان‌ها و کارتن‌خواب‌ها، یک طرح ملی بوده و مستلزم اقدام مؤثر و همکاری یکپارچه همه سازمان‌ها و دستگاه‌های مربوطه است، زیرا سیاست‌های توانمندسازی مانند کارآفرینی، درمان، کارآموزی، ترک اعتیاد، حمایت‌های حقوقی و... در توان یک نهاد(صرفاً شهرداری و یا بهزیستی) نیست و همکاری نهادها و ارگان‌های ذری‌بط را می‌طلبد.

در واقع حتی اینگونه متصور است که به علت عدم‌وجود برنامه و به‌رینه و مخاطارآمیز بودن دران این گروه از افراد، سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی اختیار ابزار و امکانات لازم برای این موضوع را ندارند، تا ساماندهی بی‌خانمان‌ها و کارتن‌خواب‌ها نه فقط به این شکل شیوه راه به جایی نمی‌برد. بلکه باعث می‌شود تا به رغم هزینه کردهای کلان صورت مسئله همچنان در یک کلاف کور و بی نتیجه باقی بماند.

فاصله و تضاد میان اهداف و دستاوردها...

اگر کسی تصور می‌کنید که هدف از نگارش این مطلب ایجاد انگیزه و یا جرقه ای برای تعطیل کردن گرخانه یا به‌پناه بهانه بسامدهای پررنگ منفی آن است کاملاً اشتباه کرده زیرا ما هم به عنوان یک انسان و مبتنی برنظام‌نامه اخلاقی خود کاملاً براین اعتقاد استوار بوده و تأکید داریم که با توجه به شرایط شکستنده این جماعت بسیار ضروری است تا در راستای ارتقاء سطح سلامت و امنیت اجتماعی با تخصیص حمایت‌های زیستی، روانی و بهداشتی به آنها موجباتی را فراهم آورد تا ضمن بازیابی شخصیتی افرادی که به هر علت امروز به نام بی‌خانمان و کارتن‌خواب در کوچه و خیابان رها شده و دانسته‌ای در معرض انواع مشکلات قرار گرفته‌اند حتی‌الامکان آنان را به مسیر زندگی سالم و انسانی

برگرداند. اما موضوع اینجاست که ما نیز به‌مانند بسیاری از صاحب نظران و کارشناسان معتقد هستیم که لازم است تا مبحث ایجاد گرخانه‌ه برای حمایت از افراد بی‌خانمان و کارتن‌خواب، به مانند بسیاری دیگر از طرح‌های حمایتی یک بار دیگر، به‌طور دقیق و ریشته‌ای مورد بررسی قرار بگیرد تا از این راه‌آورد خدمات مزبور فقط به افرادی اختصاص یابد که به واقع متعدد به مبنای اخلاقی و انسانی و خواهان پویایی بوده و مسئولیت‌های اجتماعی خود را قبول کنند، در عین حال نیز به مرور زمان ضمن کسب مهارت‌های لازم و با استفاده از این فرصت به دنبال بهبود خود و متعاقباً کسب درآمد معقول و سالم و قانونی باشند زیرا کسب درآمد معقول و منطقی باعث می‌شود تا آنها نیز به مانند همه افراد عادی جامعه ساختار تأمین مسکن و معاش خود را در فرآیندهای مطلوب دوباره سازی و شکل داده و از این راه ضمن کاهش تعداد این افراد و آمین‌تر شدن سطح شهر و جامعه،متعاقباً شاهد احیاء زندگی‌ها و خانواد‌های زیادی نیز باشیم.

با این حال به رغم همه تلاش‌ها، ماحصل از پیمایش‌های صورت گرفته در خصوص گرخانه‌های موجود در شهر همدان (هم زنان و هم مردان) و مقایسه نتایج و برون‌دادهای چند سال گذشته آن‌ها باید اعتراف کرد که نه فقط ما به چنین توفیقی دست نیافته‌ایم بلکه شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد تعداد زیادی ازمرآجه‌مندان به این مکان نه فقط قصد و اراده‌ای واقعی به بازگشت به زندگی سالم ندارند بلکه حتی از فرصت به وجود آمده نیز در راستای ادامه همان روند زندگی نکتب‌بار و ناهنجار قبلی خود کمال سوء استفاده را نموده و ضمن خوابیدن در تخت خواب‌های گرم و خوردن غذای مجانی سعی می‌کنند تا توان تازه‌ای هم برای تولید و تزیین برخی ناهنجاری‌ها و مشکلات به متن و شریان‌های جامعه بدست آورده‌اند.

این بدان معناست که متأسفانه در سایه تغافل و بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به بایستگی‌ها و برخلاف تصور ما و فلسفه ایجاد گرخانه این امکان هم اکنون به‌عنوان مأمنی مناسب برای فعالیت‌های آسیب‌زا و جان‌پناهی مجانی برای سکونت افراد مسئولیت‌گریز اجتماعی در حال تحقق آفرینی است.

تحقیقات نشان داده که تقریباً عمده مراجعان به این مرکز معتاد به مواد مخدر هستند و با تمرکز در یک نقطه حتی در شیوه رفتاری هم از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند.در این حال و آنجا که عموماً نیز شناسنامه، هویت و یا آدرس مشخص و درست درمانی هم ندارند لذا با خیال راحت‌تری اقدام به انجام رفتارهای بزهکارانه‌ای مانند مواد فروشی، تعرض به هم‌جنسان، سرقت، و کارهای نگو می‌کنند.

دوران مجردی دخترها را جدی بگیریم

جای خالی آموزش در منبرها و برنامه‌های فرهنگی برای دختران مجرد

فکری و تربیتی برای ازدواج داری؟ اصلاً تو باید چه مهارت‌هایی را کسب کنی که شایستگی ورود به این مرحله را داشته باشی؟ ما را فقط از کاهش جمعیت می‌ترسانند و همین!»

متأسفانه جامعه نگاه تحقیر آمیزی به دختران مجرد دارد

به رسمیت نشناختن دختران مجرد در فضای جامعه به‌دین زینب باعث شده که اگر دختری به هر دلیلی نتوانست ازدواج کند فشار سنگین روحی زیادی را تحمل کند:«یکی از اشتباهاتی که به نظر من در جامعه ما و تولید محصولات فرهنگی ما انجام شده این است که از پس هویت دختران را در همسری و مادری تعریف کرده‌ایم که اگر دختری بنا به هر دلیلی نتوانست ازدواج کند حبس بی‌هویتی و ناقص بودن دارد. خیال می‌کند حتماً ایرادی دارد و مجموع این مسائل فشار روحی بسیار زیادی به او وارد می‌کند. چون او به رسمیت شناخته نشده‌است، درست است تأخیر بخشی از مسیر تکامل است اما مسیر زندگی برخی از دختران چ‌خواسته‌ست و چه ناخواسته تأهل را نداشته است. اما این دختران نباید در جامعه پس بخورند. نباید به چشم تهدید به آن‌ها نگاه شود. متأسفانه نگاه تحقیرآمیز به دختران مجرد وجود دارد که باید اصلاح شود. مدام باید پاسخ بدهند که چرا ازدواج نکرده‌اند و مگر چه عیب و ایرادی داشته‌اند. در صورتی که دختر مجرد هم باید کنار سایر افراد به زندگی‌اش یا آرامش ادامه دهد و مسیر زندگی خودش را طی کند.»

الگوهای معرفی شده در جامعه گویی هیچ‌وقت خانواده‌ای نشده در جامعه گویی
زینب می‌گوید پدرش در نقطه مقابل همکارانش، گروه‌های مذهبی و به اصطلاح بچه حزب الهی بودند که برخوردشان با «مجردی» به شکل دیگری بوده است: «در نقطه مقابل وقتی وارد جمع بچه‌های مذهبی‌تر و انقلابی‌تر و یا به اصطلاح حزب‌اللهی می‌شدم می‌دیدم آنها برعکس همکارانم مرا تشویق به ازدواج و بچه‌دار شدن می‌کنند. ته همه حرشان این بود که تو هرچقدر هم موفق باشی، هر چقدر هم کارت درست باشد، هرچقدر خوب باشی و در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایده و اقدامات درستی داشته باشی چندان هم کار مفیدی نکردی؛ چون مجردی! به جایش ازدواج کن بچه‌دار شو و مادر خوبی باش. گویی چون تو مجردی ناقص هستی و حتی انسانیت کم است و هویت تو صرفاً با حضور در کنار یک مرد به رسمیت شناخته می‌شود. شخصیت انسانی تو زمانی شک می‌گیرد که شوهر و بچه داشته باشی. گویی که اصلاً به کیفیت و یا اینکه طرف شرایطش را داشته باشد و نشده باشد و یا هر چیزی که مانع ازدواج شده باشد کاری ندارد.»

بعضی از دخترها دوران مجرد را تحرر دان می‌گویند

زینب می‌گوید پدرش در نقطه مقابل همکارانش، گروه‌های مذهبی و به اصطلاح بچه حزب الهی بودند که برخوردشان با «مجردی» به شکل دیگری بوده است: «در نقطه مقابل وقتی وارد جمع بچه‌های مذهبی‌تر و انقلابی‌تر و یا به اصطلاح حزب‌اللهی می‌شدم می‌دیدم آنها برعکس همکارانم مرا تشویق به ازدواج و بچه‌دار شدن می‌کنند. ته همه حرشان این بود که تو هرچقدر هم موفق باشی، هر چقدر هم کارت درست باشد، هرچقدر خوب باشی و در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایده و اقدامات درستی داشته باشی چندان هم کار مفیدی نکردی؛ چون مجردی! به جایش ازدواج کن بچه‌دار شو و مادر خوبی باش. گویی چون تو مجردی ناقص هستی و حتی انسانیت کم است و هویت تو صرفاً با حضور در کنار یک مرد به رسمیت شناخته می‌شود. شخصیت انسانی تو زمانی شک می‌گیرد که شوهر و بچه داشته باشی. گویی که اصلاً به کیفیت و یا اینکه طرف شرایطش را داشته باشد و نشده باشد و یا هر چیزی که مانع ازدواج شده باشد کاری ندارد.»

اجتماعی

sepehrgharb.news@gmail.com

تب و لرز قانون، اخلاق و ارزش‌ها در گر مخانه

همچنین بررسی‌های دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد علاوه بر بروز تخلفات و ناهنجاری‌های رفتاری اسکان انتقال بیماری‌های مسری از قبیل هپاتیت، ایدز کرونا و... نیز در این اماکن بسیار بالاست. موضوعی که در قالب برخی رفتارهای مشخص و در لایه‌های زیرین آن مشاهده می‌شود به این دلیل سسپاری از این افراد به دلیل نداشتن تعهد اخلاقی و انسانی به خود و جامعه به راحتی جذب کارهای خلاف و نگو می‌شوند گویا اینکه در این بین نیز قضاوت‌های جامعه برایشان کمترین اهمیتی هم ندارد.

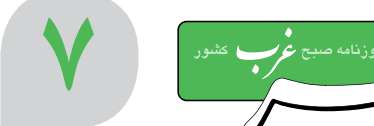
ایمن موضوع به‌خصوص در مورد تبعات رفتاری آن‌دسته زانی که هم اکنون به‌عنوان کارتن‌خواب و بی‌خانمان شب‌ها در مراکز گرخانه‌ای پذیرفته شده اما فردا صبح مجدداً به سطح شهر روانه می‌شوند از حساسیت و شکنندگی به مراتب بیشتری برخوردار است گو اینکه قریب به اتفاق این زنان نیز به مانند مردان دارای اعتیاد به مواد مخدر و برخی بیماری‌ای خاص بوده و تعهد خاصی هم به مبنای ارزشی و خطوط قرمز اخلاقی ندارند.

از نتایج حاصله که به احتمال زیاد بسیاری از شهروندان نیز شاهد آن بوده و در مجموع گفتگوهای صورت گرفته نیز بدان اشاره شده است، این تصور وجود دارد که به دلیل فقدان یک برنامه جامع در خصوص ساماندهی، اخذ تعهد و الزام به رعایت بایستگی‌ها در طول اقامت در گرخانه و یا استفاده از امکانات آن بسری از این افراد (کارتن‌خواب‌ها و افراد بی خانمان) نه فقط در روند و روال زندگی خود هیچ تغییر مثبت و قابل‌قبولی نداشته‌اند بلکه با سوء استفاده‌ها و

از شرایط و موج‌های احساسی توانسته‌اند تا مدت‌ها به‌صورت رایگان و بی‌هزینه از داشته‌های یک مکان حمایتی و زیستی که از محل پول بیت المال و مالیات شهروندان راه‌اندازی شده به‌عنوان پوششی برای ادامه فعالیت‌های خلاف و ناهنجار وادامه زندگی غیرمسئولانه خود استفاده کنند بی‌اینکه مورد بازخواست قرار گیرند و پاسخگوی این لایق‌اند باشند.

انتظارات مردمی، تصمیمات مدیران!...
اما در جمع بندی پاسخ‌های دریافتی ازسوی خبرگسرسپهرغرب از شرایط پناه نرف از همشهریان (اعم از خانم و آقا) در نقاط مختلف و به ویژه محلات نزدیک به دو گرخانه موجود در همدان در خصوص تحلیل شرایط گرخانه، بایستگی‌ها و الزامات اینگونه عنوان شده است که:

- تقریباً همه نفرات پاسخ دهنده معتقد بودند که ایجاد سرپناه (به‌خصوص در فصول سرد) برای افراد بی‌خانمان اسمری الزامی و منطقی با اخلاق و وجدان است و فی نفسه هیچ منعی برای آن متصور نیست.



روزنامه صبح غرب کشور

- همین گروه با اشاره به اینکه افراد بی‌خانمان باید شناسایی و مسود حمایت قرار گیرند تأکید کردند: این کار می‌تواند موجب ارتقاء سطح سلامت اجتماعی شهر شود.

- حدود ۸۶ درصد پاسخ دهنندگان براین باورند که نحوه پذیرش و اسکان و خدمات‌دهی این اماکن باید مورد تجدیدنظر قرار بگیرد (از منظر این گروه هم‌اکنون بیشتر مراجعان به این مراکز افرادی عاطل و باطل و مجرم و معناد و... هستند که شایستگی استفاده از این امکانات را ندارند)

- حدود ۸۱ درصد گفتگو‌شوندگان معتقد هستند که امکانات موجود (حتی کیم و دافلی نیز) باید به کسانی داده شود که واقعاً نیازمند بوده و خود نیز اراده و تلاش برای بازگشت به زندگی را دارند.

- از منظر ۷۶ درصد مصاحبه شوندگان باید از کسانی که از امکانات گرخانه استفاده می‌کنند تعهد اخذ شود که دنبال خلاف و ناهنجاری و... نروند در حالی‌که اینگونه نیست و عموماً این افراد پاینده به اصول اخلاقی و ارزشی نیستند.

- از حدود ۷۵ درصد همشهریان شرکت کننده در این گفتگو‌ها وجود گرخانه‌ها باعث بروز مشکلاتی در محلات شده و به دلیل برخی تبعات منفی بسیار بهتر است این اماکن در جای دیگر و دور از شهر تأسیس شود.

-از دیدگاه ۶۶ درصد گفتگو‌شوندگان باید از پذیرش افراد شناخته شده‌ای که سال‌هاست نسبت به اصلاح رفتار اقدام تلاشی نکرده‌اند دراین اماکن خودداری شود و این هزینه‌ها صرف افراد واجد شرایط اصلاح گردد.

-از دیدگاه ۵۱ درصد از پاسخ دهنندگان نباید اجازه داد تا بی‌ مبالائی و بی برنامهگی در اداره و فعالیت این اماکن موجب سوء برداشت برای مردم و مراجعه کنندگان شود، این بدان معناست که گرخانه محلی مناسب برای اصلاح و پذیرش افراد نیازمند واقعی است نه یک خوابگاه برای بی‌توته زمستانی وغذای مجانی برای افراد لایالای غیر مسئول و مسئله دار.

-از دید همین گروه حتی به صرف پذیرش افراد معتاد فارای ناهنجار و... باید روند کاری گرخانه منجر به اصلاح آن‌ها و یا الزام به اصلاح باشد نه سرانه سازی مفت و مجانی.

-از دیدد ۴۸ درصد گفتگو‌شوندگان باید تا کنون کارنامه‌ای از نتایج عملکردی گرخانه با محوریت امتداد و تربیت بهسازی و بازگشت به زندگی این افراد این می‌شد اما امروز فقط بیلان خوردخوراک،گرمایش، آب و برق و... بوده که اعلام شده است.

-از منظر ۳۶ درصد پرسش‌ش شوندگان نه فقط محتوای درونی گرخانه‌ها مثبت ارزیابی نمی‌شود بلکه حتی نشانگانگی نیز از تولید و مبادی آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها به بیرون از آنها دیده شده است.

-از دیدگاه ۲۱ درصد مصاحبه شوندگان به‌ر حسب شنیده‌ها کیفیت پذیرش و اسکان و امکانات گرخانه در سال‌های اخیر رو به رشد بوده فلذا این انتظار نیز می‌رود تا پناهه جوانان نیز با درک این تغییرات در دنبال اصلاح و بهسازی روحی‌های خود باشند.

در وجود دخترش را خدشه دار نکنند و در عین حال هم فعالیت در اجتماع و جامعه را به او یاد بدهند.

یک دختر مسلمان چ‌طور دوران مجردی غنی را بگذراند؟

زینب و همراهانش با هشتک مجردخت توانستند برخی از مشکلات و دغدغه‌های ذهنی‌شان را مطرح کنند تا بدایشان را به گوش جامعه برسانند. هشتگی که پیرامون آن دغدغه‌های مختلفی شکل شد که برخی اشاره به سردرگمی‌ها و آشفتگی‌های ذهنی دختران مجرد دارد. در نهایت زینب یک سؤال مهم از ما، جامعه، مسئولان فرهنگی و تربیون‌داران منبرهای مذهبی می‌برد:«من وقتی حرف‌هایم را در فضای مجازی زدم. هشتک #مجردخت را معرفی کردم و از کاربران و مخاطبانم خواستم که حرف‌هایشان در این باره را بنویسند و از این هشتک استفاده کنند. پست‌های مختلفی نوشته شد و البته عده زیادی هم پیام دادند که نمی‌توانند خوب بنویسند اما همراه هستند و دنبال می‌کنند.حرف‌های خوبی زده شد. عده‌ای می‌گفتند در محتوای‌های فرهنگی ما وقتی می‌خواهند از همسران و مادران شهدا بگویند همه شخصیت آن زن معطوف به شهید معرفی می‌کنند و کسی نمی‌گوید خود آن زن چه سبک زندگی و چه عملکردی داشته که چنین مردی از دامن مادری و همسری‌اش به شهادت نائل شده‌است. برخی گله داشتند که جامعه اینطور است که انگار اگر دختری زیا خوستگار عاشق شود یا با خوستگار‌های خاص به اصطلاح باکلاس داشته باشد دختر ارزشمندتری است. دیگری درباره آشفتگی دختران مجرد نوشته بود. اینکه دختران این‌ها باید طوری رفتار کنند که پسندیده‌اند اما برای پسران این حساسیت وجود ندارد. یکی دیگر نوشته بود که بعضی از دختران برای آنکه از خانواده طرد نشوند و یا پشت سرشان حرف در نیاید به ازدواج‌های نامناسبی تن می‌دهند. یکی از دختران روستایی نوشته بود که زندگی سخت و مرادنه و پدی و خشنی انجام می‌دهند اما در زمان ازدواج قربانی یکسری تصمیمات جنسیتی می‌شوند. یکی از خانواده‌ها نوشته بود که برخی خانواده‌ها می‌ترسند دخترشان را مجرد به دانشگاه و جامعه بفرستند و مجبور به ازدواج ناخواسته می‌کنند که آن ازدواج‌ها عاقبت خوب نیست. یکی از مرد‌های مهمی که نوشته‌اند این سؤال من از بزرگان این نداشتن بسیاری از دختران خود واقعی‌شان را سناسور می‌کنند و نشان نمی‌دهند و می‌گویند اگر خودمان باشیم مردم‌های خوب برای ازدواجمان ممکن است پیش نیایند. پیام‌های مختلفی بعد از این هشتک از اقتشار‌های مختلف دریافت کردم. بیشترشان از سردرگمی‌های این دوران فشارهای روحی که تحمیل شده بود گلایه داشتند حالا سؤال من از بزرگان این است. باتوجه به دین اسلام که همه ما مسلمان به آن هستیم یک دختر مسلمان اگر بخواهد داورن مجردی غنی را پشت سر بگذارد و بعد وارد دنیای تأهل شود و یا اگر به هر دلیلی برایش مورد ازدواج پیش نیامده و حتی نخواهد آمد باید چه آگاهی‌هایی را کسب کند و چه توانمندی‌هایی را در خودش ایجاد کند؟ و چه کند؟»

الگوهای معرفی شده به کار دختران مجرد نبایدند. چون هیچکدام از شرایطشان شبیهی آنها نیست. به طور مثال همسران شهدا را فقط همسر شهید تعریف کردیم. حتی نخواستیم آن زن را بشناسیم و بگوییم که تو مگر چه ویژگی‌هایی داشتی که آن شهید را تو برای همسر بزرگیدی؟ در صورتی که شخصیت دوران مجردی در شخصیت دوران متأهلی بسیار تأثیرگذار است. مشاور‌های ازدواج همیشی می‌گویند شما برای ازدواج نمی‌توانید کسی را تغییر بدهید. پس چطور می‌شود که با این حجم از اهمیت ما بخواهیم دختران مجردی را در زندگی متأهلی نادیده می‌گیریم؟ انگار که این الگوها هیچ‌وقت مجرد نبوده‌اند.»

گاهی این طور القا می‌شود زن فقط بعد از ازدواج و مادری دارای ارزش و احترام است
«هنوز مجردی؟» سؤالی که زینب بحث مجازی‌اش را آن آغاز می‌کند. سؤالی که به گفته او و دیگر همراهانش یکی از سؤال‌های آزاردهنده برای دختران است که چندین و چندبار از آن‌ها پرسیده می‌شود و چندین و چندبار باید به آن جواب بدهند:«وقتی می‌خواستم حرف‌هایم را در فضای مجازی بزنم یک تینر برایش انتخاب کردم: «مجردی دختران را به رسمیت شناسیم» برای شروع هم یک سؤال آزاردهنده نوشتم: «هنوز مجردی؟» متأسفانه دختران اغلب وقتی دوران بلوغ را پشت سر می‌گذرانند و اولین پیشینه‌های ازدواج آغاز می‌شوند باید با این دست سؤال‌ها روبرو شوند.»چرا ازدواج نمی‌کنی؟» «چرا هنوز مجردی؟» این سؤال‌ها همسری که‌سری آشفتنگی و سبدرگمی را برای دختران به وجود آورده‌است که چرا تمام زندگی و شخصیت من را کنار گذاشته‌اند و فقط این سؤال را می‌پرسند؟ همه این‌ها دلایلش این است که ما بلد نیستیم از تمام دوران‌مان درست استفاده کنیم. بلد نیستیم از تمام نقشی‌های که در زندگی اعم از دختری و خواهری که اصلاً در نظر گرفته نمی‌شود درست استفاده کنیم گمان می‌کنیم فقط یک دختر و زن بعد از ازدواج می‌شود. مادری تازه دارای ارزش و احترام می‌شود و فقط پیرامون همین موارد حرف می‌زنیم. ما باید زبانه و مفید زندگی کردن را در همه ادوار زندگی یک زن در نظر بگیریم.»

چرا درباره رابطه پدر و دختر و حریم دختر در خانواده کم حرف می‌زنیم؟

همراهان مجردخت گله دارند که چرا درباره همه نقش‌های مختلف یک زن و دختر در جامعه حرف زده نمی‌شود و برای این‌ن نقش‌ها و تعاملات محتوای آموزشی مفیدی تولید نمی‌شود. برای مثال دختر مجرد هنوز نمی‌داند چگونه باید با والدینش تعامل کند تا به او استقلال لازم را بدهند یا پدرها نمی‌دانند چگونه باید با دختر خود رفتار کنند و چگونه از دخترها مراقبت کنند تا احساس استقلال

عطیه‌همتی